

مرگ تلخ مادر باردار در رسم اشتباه خانواده

بیمار ما بمیرد بهتر از آن است که خون به او تزریق شود!

علی اصغر افتاده - خبرنگار ایران: واکنش عجیب خانواده زن باردار که پس از زایمان نیاز به تزریق خون داشت مادری را با حسرت دیدن چهره کودکش به کام مرگ فرو برد.

«بیمار ما بمیرد بهتر از آن است که خون به او تزریق شود!» این گفته‌های باورنکردنی خانواده زن بارداری است که در یک قدمی مرگ قرار گرفته و کوچک‌ترین ثانیه‌های گمشده می‌تواند جان وی را به مخاطره بیندازد. در اتفاقی غم‌انگیز اعضای خانواده یک زن باردار یکی از روستاهای چابهار با جلوگیری از تزریق خون و سرم و جلوگیری از ارائه خدمات پزشکی و ایجاد تأخیر در فرآیند پزشکی باعث مرگ این مادر شدند. اعضای خانواده این زن اظهار داشته‌اند در روستایشان رسم است هیچ‌گاه خون انسان دیگری نباید در بدن کسی دیگر وجود داشته باشد حتی اگر بیمارشان بمیرد.

براساس گفته‌های شاهدان عینی از بیمارستان امام علی (ع) چهارده هفته گذشته، به دلیل زایمان یک زن باردار که بعد از متولد شدن فرزند نیازمند به تزریق خون برای جبران خون از دست رفته بوده است با ممانعت اعضای خانواده این بیمار اجازه تزریق خون به این بیمار داده نمی‌شود و بیمار به دلیل تأخیر موجود آمده بعد از انتقال به بیمارستان زاهدان به کام مرگ فرو می‌رود. مخالفت اعضای خانواده این زن بیمار به حدی بوده است که در برابر درخواست مسئولان برای اجازه تزریق خون و مداوای بیمار و احتمال مرگ حتمی بیمار به دلیل خون از دست داده اعلام می‌کردند که بیمار ما بمیرد بهتر از آن است که به او خون تزریق کنید! ما فرزند را هم نمی‌خواهیم، فقط اجازه دهید بیمارمان را با خود ببریم.

ظواهر مادر این بیمار که خود نیز حضور داشته است اعلام می‌کرد، ما خودمان در روستاها پشه‌های زیادی به دنیا آورده ایم و این طور چیزها نیاز نبوده است! اساس مسئولان با پدر این زن باردار نیز نتیجه بخش نبود تا اینکه بناچار براساس تصمیمات اجرایی و دخالت حراست بیمارستان و دور کردن خانواده بیمار از تخت بیمار تزریق سرم و خون به بیمار پس از حدود ۱۰ ساعت تأخیر آغاز می‌شود، اما کار از کار گذشته بود و در حقیقت زمان مؤثر برای مداوای بیمار صرف بگو مگو و توجیه اطرافیان بیمار برای اقدامات پزشکی شده بود به گونه‌ای که زن باردار به کام مرگ فرو رفت. دکتر «عبدالعزیز ناشییری» رئیس بیمارستان امام علی (ع) چابهار در این

خصوص به «ایران» گفت: برخی از علائم مرضی‌ها بعد از زایمان ظاهر می‌شود و در این بیمار نیز بعد از زایمان علائم کبد چرب دیده شد که شدت پیشرفت این بیماری به قدری بوده که تقریباً کبد در حال از کار افتادن بوده است و باید اقدامات سریع پزشکی انجام می‌شد در این شرایط در هماهنگی با متخصصان فوق‌گوارش در زاهدان و رزرو تخت، اقدامات برای انتقال بیمار به زاهدان صورت گرفت، اما متأسفانه درنگ اطرافیان این بیمار و ظاهری اعتمادی آنان به پزشکان و شیوه درمانی فرصت زمانی مناسب را تلف کرده و سرانجام با وجود تمام تلاش‌های پزشکی وقتی زن جوان به بیمارستان زاهدان منتقل می‌شود به دلیل شدت پیشرفت بیماری به خاطر تأخیر ۱۰ ساعته در گذشته است.

تحلیل شوک: اکنون مادر جان باخته و آرزوی دیدن کودک خود را از دست داده و همچنین این نوزاد از داشتن مادر محروم شده است. واقعا درباره این اتفاق نادر چه می‌توان گفت، چه کسی را باید مسئول دانست، مرگ این مادر و محروم شدن فرزندان از داشتن مادر و هزاران سؤال بی‌پاسخ را چه کسی برای پاسخ گفتن دارد.

آیا می‌توان این استدلال را پذیرفت که خانواده بیمار در هر شرایطی می‌تواند بدون رعایت توصیه‌های پزشکی و ادامه مداوا از جمله تزریق سرم، خون و... بیمار را مرخص و به محلی دیگر منتقل کنند؟ چگونه است که اگر بیمار در بیمارستان با اتفاق عمل جان ببازد مدعی می‌شویم و بازخواست را حق همه می‌دانیم، اما در مقابل مرگ بیمار به دلیل تصمیمات و تأخیرهای ایجاد شده توسط همراهان نمی‌توانیم کاری کنیم، آیا اجازه زنده ماندن بیمار فقط در دست پدر، مادر و همسر است؟ آیا امروز کسی می‌تواند خانواده این بیمار را بازخواست کند که چرا جلوی ارائه خدمات پزشکی ضروری را در زمان مناسب گرفته‌اند و شاید مسبب اصلی مرگ این مادر هستند. نکته حزن‌برانگیز در مرگ تلخ مادر این که خانواده وی پس از مرگ بیمار خود، ناخودآگاه دیگران را مقصر می‌دانند و مدعی می‌شوند که خدمات خوب نبوده است. جای تحقیقات علمی، میدانی و پژوهشی در خصوص چرایی وقوع چنین حوادثی خالی است و باید همپای تصمیمات توسعه‌ای و زیربنایی برای حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و بهبود شرایط کلی جامعه فکر اساسی کرد.